

زندار به قیامت

نگارش: سیده فاطمه حسینی



نشر ستارگان درخشان

۱۳۹۵

دیدار به قیامت



نشر ستارگان درخشان

نگارش: سیده فاطمه عبداللہی

ناشر: ستارگان درخشان

مستند به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه صاحب الزمان (عج)

محقق: آئی: حامد شاه‌مرادی

موضوع: سیده مریم عبداللہی

نوبت چاپ: ۱۹۱ - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۳-۳۵-۴۴۷۰۰۶۰-۹۷

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان - ستارگان درخشان

۱۱۳۶۶۷۴۰۰۱

سرشناسه: عبداللہی، سیده فاطمه، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: دیدار به قیامت/ نگارش سیده فاطمه عبداللہی.

مشخصات نشر: اصفهان: ستارگان درخشان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

شابک: ۳-۳۵-۴۴۷۰۰۶۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: رفیعی، محمد، ۱۳۴۵ - ۱۳۶۷.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۶۷۳۴۲/DSR۱۶۲۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۹۰۶۱۵

۹	مقدمه
۱۱	خاطرات کودکی و نوجوانی
۱۳	تولد
۱۷	حالات ممنوع و ... در
۲۳	کمک حال پدر
۲۶	مهمان‌نوازی
۲۸	اتفاق
۳۰	تنهایی های خواهر
۳۳	خاطرات اعزام
۳۵	دانشگاه
۳۸	خواستگاری
۴۱	نگهدار، خداست
۴۸	سیزده بدر
۵۰	آخرین خداحافظی
۵۴	آخرین دیدار

خاطرات هجران

۵۹

خبر مفقود شدن

۶۱

خبر اسارت

۶۳

چگونگی اسارت

۷۲

۷۸

سفره حضرت رقیه علیها السلام

۸۱

چشم انتظار مادر

۸۴

خانه

۸۶

خواب پریشان

۹۰

در هجران

۹۴

سوغاتی مکه

۹۷

باز شدن راه کربلا

۹۹

سفر حج

۱۰۲

تشییع پیکر شهید

۱۰۹

روز غم

۱۱۳

صوری پدر

۱۱۵

مزار شهید

۱۱۷

مرگ پدر

۱۲۱

پیوست



شهید، محمد رفیع، متولد سال ۱۳۴۵، در روستای دامنه، از توابع اصفهان دیده به جهان گشود. او که فرزند آخر یک خانواده پر جمعیت بود، بسیار مورد توجه سایر افراد خانواده قرار داشت. محمد چهار خواهر و یک برادر داشت. مادر او از سادات جلیل القدر بود و ارادت خاصی به بی‌بی دو عالم، خانم زهرا ی اطهر علیها السلام داشت. پدرش، انس و الفت خاصی با قرآن داشت. محمد از همان اوان کودکی، قرائت قرآن را از پدر آموخت و در سایه تربیت‌های مادر، با خاندان اهل بیت علیهم السلام آشنا شد. او که شیفته امام حسین علیه السلام بود، درس آزادگی و مردانگی را از آن بزرگوار آموخت و نوزده سال بیشتر نداشت که برای دفاع از این مرز و بوم اسلامی، راهی جبهه‌های حق علیه باطل شد.

هر چند از چگونگی شهادت او اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی قدر مسلم این است که در جریان محاصره فاو به دست عراقی‌های مزدور در فروردین ماه سال ۱۳۶۷ او جوانمردانه ایستاد و ایستادگی کرد؛ نه از عده کثیر نیروهای عراقی، کویتی، آمریکایی و سودانی موجود در منطقه ترسید

و نه از ادوات و تجهیزاتی که دنیا زیر پای بعضی‌ها ریخته بود. محمد و سایر هم‌رزمانش مانند کوه در برابر نامردی‌ها ایستادند، سینه سپر کردند و با تمام توان دفاع کردند. و امروز، ما سرافرازیم که پیرو راه همان شیرمردان هستیم.

آنچه باعث شده است که بنده افتخار تحریر این کتاب را کسب کنم، این بود که سال گذشته شهید محمد رفیعی را در عالم رویا دیدم. ایشان از بستگان دو بنده هستند. در عالم خواب، او را بسیار بشاش و سرحال دیدم. دعوایم کرد که به منزل مادری‌اش بروم و در آن جا همراه با مادر و خواهرهایشان از من بذرایبی مفصلی داشتند. من هم بعد از خوش و بش و احوال‌پرسی با خانواده ایشان، شروع به صحبت در مورد موضوع خاصی کردم. هر چند دقیقاً یاد ندارم که در خواب چه می‌گفتم، ولی بعد از پیشنهاد نوشتن این کتاب توسط او، به مقاومت بسیج منطقه، تعبیر خواب خود را یافتم.

این کتاب، بیشتر دردها و رنج‌های خانواده‌های آگاهان و شهیدان هشت سال دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد. هر چند وقایع یاد شده، سختی‌های این خانواده‌های معظم را به طور کامل بیان نکرده است، ولی گوشه‌ای است از دلتنگی‌های این عزیزان. خداوند، حقوقشان را بر ما حلال کند و ما را پیرو راه عزیزانشان قرار دهد.

سیده فاطمه عبداللهی دمنه

اسفند ماه ۱۳۹۳

